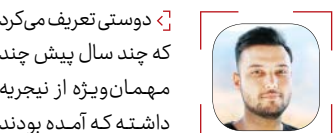


<p> روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤؤل: مهدی عرفاتی </p>		<p> حدیث روز: امام محمدباقر(ع): کسی که واعظی درونی نداشته باشد، موعظه‌های مردم سودی به او نمی‌رساند. </p>
<p> واحه: همه عیب خلق دیدن، نه نمرتست و مردی نگهی به خوشیشت کن که توهم گناه داری </p>		<p> اوقات شرعی: اذان ظهر: ۱۳/۱۱ اذان مغرب: ۲۰/۳۹ اذان صبح (فردا): ۴/۲۱ غروب آفتاب: ۲/۱۹ نیمه شب شرعی: ۰۰/۲۰ طلوع خورشید(فردا): ۶/۰۳ </p>
<p> وضعیت آب و هوای امروز </p>		<p> یکشنبه ۲۷ تیر ۱۴۰۰ ۷ ذی الحجه ۱۴۴۲ ۲۰ صفحه سال بیست و دوم - شماره ۵۹۹۰ استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان Sunday - July 18 , 2021 </p>
<p> حکمت ۱۲۱: ❗ فرق است میان این دو عمل، عملی که لذت‌ش رفته و عواقب ناگوارش مانده و عملی که رنجش سبزی شده‌ای و اجر و ثوابش باقی است. </p>		<p> امروز در تاریخ: ❗ شهادت حضرت امام محمدباقر(ع)، (۱۲۴ ق) ❗ خودکشی محمدولی خان، سپهدار تنگابنی از سیاستمداران مشهور دوران مشروطه. (۱۳۰۵ش) ❗ استعفای دکتر علی امینی از نخست‌وزیری رژیم پهلوی، (۱۳۴۱ش) ❗ بهشت زهرا(س)، گورستان جدید تهران افتتاح شد، (۱۳۴۹ش) ❗ پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از سوی ایران. (۱۳۶۷ش) </p>



اگه بارون بباره



علیرضا راقتی

روزنامه‌نگار

میزبانی‌اش را کرده بودند و این بار او می‌خواست‌ه رسم مهمان‌نوازی ایرانی را تمام‌وکمال به‌جا آورد و برای مهمانان خارجی‌اش که برای اولین بار ایران را می‌دیدند، سنگ تمام بگذارد. اوایل پاییز بوده و هوای تهران هم معتدل و دلچسب با بوی نم باران که دوست‌مان پیش خودش فکر می‌کرده حتماً برای دوستان نیجریه‌ای‌اش دلچسب خواهد بود. از قضا کاری پیش می‌آید که عرق شرمندگی را همین اول میزبانی بنشانند روی پیشانی دوست‌مان و نگذارد او شخصاً برود فرودگاه استقبال. فورا برای مهمانان نیجریه‌ای تاکسی می‌گیرد که از فرودگاه بیاورده‌اش به محلی خاص که او خودش راسر ساعت مشخص برساند آتجا. دوست‌مان تعریف می‌کند: وقتی رسیدم به محل قرار کم‌تر از دو دقیقه بود که مهمان‌هایم رسیده بودند ولی دیدم پریشانند و انگار دنبال یک راه فرار می‌گردند و فقط این طرف و آن طرف را با اضطراب نگاه می‌کردند و چند نفرشان گوشه لباس، آستین، پلاستیک و هر چه دم دست‌شان بوده را روی سر گرفته بودند. باران کمک‌کم داشت شروع می‌شد و من از این موهبت پاییزی تهران به وجد آمده بودم اما پیدا بود که این نعمت آسمانی برای مهمان‌های خارجی‌مان نقیمت است. فورا سوار ماشین شدم و رساندم‌شان به محل اقامت، وقتی ماجرای باران را بر پرسیدم گفتند ما معتقدیم که اگر باران روی سرمان بیارد شگون ندارد و ختم‌امریض می‌شویم. دوست‌مان می‌گوید آنجا بود که فهمیدم مسائل در فرهنگ‌های مختلف تعاریف متفاوت دارند. اما من فکر می‌کنم این تنها فرهنگ نیست که تعریف انسان‌ها از مسائل را می‌سازد بلکه خیلی موقعیت‌ها و پارامترهای دیگر هم در این تعریف متفاوت دخیلند. مثلاً همین که من الان عاشق برفم و عاشق این‌که کنار شومینه بنشینم و چای بنوشم و از پشت پنجره دو جداره برف را تماشا کنم اما همین برف برای آدم‌های صدسال پیش یک بلای طبیعی حساب می‌شد.

این یکی دو روز که هوای نمناک باران را در تهران تنفس می‌کنم به این فکر می‌کنم که همین نعمت می‌تواند در بعضی جاها تبدیل به نعمت شود. مثلاً سیل‌شود و راه بیفتد در خیابان‌های کرمان و زندگی مردم را مختل کند.

گفت‌وگو با کوروش علیانی، درباره ایموجی

ایموجی، زبان را کامل کرده است

❗ یک‌زمانی گرمی‌خواستیم شوخی یا بازی‌کنیم و بخندیم در جمع دوستان و فامیل یا در ارتباطات دو نفره، شکلک درمی‌آوردیم. بعضی‌ها در این کار مهارت خوبی داشتند و برخی هم نداشتند که البته برنده معمولاً کسی بود که بلد بود خوب شکلک دربیاورد. بچه‌ها گاهی برای شکلک درآوردن تنبیه می‌شدند و لقب بچه‌بی‌تربیت را می‌گرفتند. بچه‌ای که نمی‌توانست زبانی از خودش دفاع کند برای کسی که او را ادیت کرده بود، شکلک درمی‌آورد تا به او بفهماند آدم خوبی نیست. بعضی بچه‌ها هم برای حرص درآوردن و نشان دادن این که چندان بچه آرام و تودل بروی نیستند، شکلک در می‌آوردند، مثلاً زبانشان را در می‌آوردند یا چشمان‌شان را کج و معوج می‌کردند یا پادستان‌شان حرکتی را نشان می‌دادند. دنیای این‌روزها اما پرشده از شکلک‌های جورواجور. حالا دیگر بیشتر مردم گوشی هوشمند دارند و برای ارتباطات روزمره خود از فضای چت استفاده می‌کنند و یکی از ابزارهای این ارتباط، ایموجی است که در انواع و اقسام مختلف طراحی شده و روز به روز به محبوبیت و دامنه کاربردشان اضافه می‌شود. ایموجی‌ها چنان در دنیای آدم‌ها نفوذ کرده و محبوبیت یافته‌اند که روز ۱۶ جولای به نام روز جهانی ایموجی نام‌گذاری کرده‌اند و اتفاقاً این روز از آن مناسبت‌هایی که فراگیری زیادی دارد و همه مردم از آن استقبال کرده و برای یک روز هم که شده با دقت بیشتری به این شکلک‌های دوست‌داشتنی نگاه می‌کنند و شاید در فرستادن آنها برای دیگران دقت بیشتری به خرج می‌دهند. حالا دیگر شکلک فرستادن

به علیانی می‌گویم، سال ۹۴ آکسفورد ایموجی خنده عمیق (روده‌برشدن از خنده) را وارد لغت‌نامه خود کرد. آیا می‌توان گفت ایموجی‌ها دارند به زبان بیانی تبدیل می‌شوند و شاید در آینده جای کلمات را بگیرند؟ می‌گوید: این را باید مسؤولان آن لغت‌نامه توضیح دهند که چرا چنین کاری کرده‌اند. به نظر من لغت‌نامه جایی است که کلمات نوشته می‌شوند و ایموجی کلمه نیست. بلکه زبان بدن و احساس است و این دورا نباید با هم قاطی کرد. ایموجی ساخته شده تا به بیان کلمه کمک کند نه جای آن را بگیرد.

❗ ایموجی نقص نگارش را برطرف کرد

علیانی می‌گوید: انسان‌ها بین ۵۰ تا ۱۰۰ هزار سال است که حرف می‌زنند و قبل این‌که حرف بزنند از آواهایی استفاده می‌کردند که کلمه نبود و صرف و نحو نداشتند به همین دلیل زبان محسوب نمی‌شوند. اما سیستم صوتی ارتباطی داشته‌اند. انسان‌ها از همان اول در کنار آواها، کلمات و جملات برای ارتباط برقرار کردن و بیان خود از زبان‌بدن هم استفاده می‌کردند که ایموجی ریشه در همین زبان بدن دارد. وقتی مثلاً می‌گویم، نمی‌دانم و کف دست خودمان را بالا نگه می‌داریم، به نوعی داریم از ایموجی استفاده می‌کنیم. طراحی و استفاده از ایموجی هوشمندانه‌ترین کاری بود که بشر برای جبران نقض زبان نوشتاری انجام داد. زبان بدن همیشه به انتقال مفهوم در مراودات حضوری به انسان کمک کرده و می‌کند. ایموجی این امکان را به‌وجود آورد که در زمان نوشتن و چت کردن هم زبان بدن را به طرف مقابل ارائه‌کنی تا او منظورت را بهتر و بیشتر درک کند. این ابزار آن قدر پیشرفت

ایموجی کلمه نیست

به علیانی می‌گویم، سال ۹۴ آکسفورد ایموجی خنده عمیق (روده‌برشدن از خنده) را وارد لغت‌نامه خود کرد. آیا می‌توان گفت ایموجی‌ها دارند به زبان بیانی تبدیل می‌شوند و شاید در آینده جای کلمات را بگیرند؟ می‌گوید: این را باید مسؤولان آن لغت‌نامه توضیح دهند که چرا چنین کاری کرده‌اند. به نظر من لغت‌نامه جایی است که کلمات نوشته می‌شوند و ایموجی کلمه نیست. بلکه زبان بدن و احساس است و این دورا نباید با هم قاطی کرد. ایموجی ساخته شده تا به بیان کلمه کمک کند نه جای آن را بگیرد.



کرده که لازم نیست دیگر با ابزار نگارش و نقطه، پراگترو... زبان بدن را به متن اضافه‌کنی. پنجره‌ای کنار صفحه چت وجود دارد، آن را باز می‌کنی و از ایموجی‌هایی که برای هر حالت و هر حس طراحی شده استفاده می‌کنی.

❗ بازگشت زبان به جایگاه اصلی‌اش

به علیانی می‌گویم برخی بر این باورند ما روز به‌روز برای ارتباط با یک‌دیگر وقت کمتری صرف می‌کنیم. قبل‌ترها با هم تلفنی صحبت می‌کردیم، با پیشرفت تکنولوژی آن را تبدیل کردیم به چت و نوشتن و جملات را هم روز به‌روز کوتاه‌تر کردیم و الان دیگر آن را خلاصه می‌کنیم در یک ایموجی یا استیکر و این در درازمدت به ارتباطات ماصدمه می‌زند چون برای هم وقت کمی می‌گذاریم. این نویسنده می‌گوید: آن‌زمانی که به جای ایموجی احساس‌مان را در چند جمله می‌نوشتیم، ابزار درست و کاربردی نداشتیم، ناتوان بودیم و مجبور بودیم احساس‌مان را بنویسیم. این نوشتن اشتباه بود و الان که از ایموجی استفاده می‌کنیم، درست است. این به معنای عقب کشیدن زبان نیست. زبان با ابزار نوشتن محدود شده بود اما الان با ایموجی کامل شده و زبان کارکرد خود را به دست آورده. چي کسی گفته بیان احساس با ایموجی یعنی حوصله ارتباط ندارم و آن طرف‌برایم مهم نیست؟ قبلاً باید چند کلمه می‌نوشتم تا غمگین بودن خودم را بیان کنم الان یک ایموجی طراحی شده که سرش پایین است و چشمانش بسته و حجم غمگینی مرا نشان می‌دهد در چنین شرایطی چه نیازی است به وقت گذاشتن و نوشتن چندین کلمه و جمله؟ الان با ایموجی‌ها انسان‌ها برگشته‌اند سر جای درست‌شان و زبان اصلی خود را پیدا کرده‌اند. زبان

حفاظت پلیس ضد شورش از لیورپول

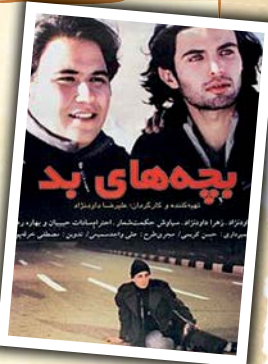
تیم فوتبال لیورپول انگلیس، سفر تفریحی خود به آسیا را آغاز کرد. این تیم بعد از پیروزی دو بر صفر مقابل سنگاپور دیروز وارد بانکوک، پایتخت تایلند شد. این تیم در مسیرش به هتل محل اقامت، توسط پنج اتوبوس پلیس ضد شورش تایلند محافظت شد. در محل هتل حدود ۱۵۰۰ هوادار فوتبال از بازیکنان لیورپول به گرمی استقبال کردند. (صفحه ۱۵)



تکذیب توقیف «بچه‌های بد»

فیلم «بچه‌های بد» ساخته علیرضا داوودنژاد توقیف نشده بلکه اکران آن به تعویق افتاده است. شورای نظارت و ارزشیابی با بیان این خبر اعلام کرد: بنا به ماده‌ای از قانون نظارت و ارزشیابی و به دلایل خاص اکران این فیلم به فصل دیگری موکول شده و هیچ اصلاحیه‌ای به آن داده نشده است.

این فیلم ماجرای دو پسر جوان است که با دختری آشنا می‌شوند و برای آنها اتفاقاتی رخ می‌دهد. تبلیغات برای اکران بچه‌های بد آغاز شده اما تهیه‌کننده تصمیم گرفته اکران آن را به فصل آینده موکول کند. (صفحه ۳)



۱۶ درصد جمعیت زیر فقرند

بر اساس آمارهای ارائه‌شده، ۱۶ درصد جمعیت کشور زیر خط فقر قرار دارند. دکتر مهدی طالب، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه گفت: رقم‌های متفاوتی درباره خط فقر ارائه شده درحالی‌که واقعیت این است خط فقر حد پایین یا بخور و نمیری است که در جامعه تعداد زیادی زیر آن خط قرار دارند. واقعیت این است سازمان متولی رفاه در جامعه وجود ندارد. مهاجرت روستاییان به شهرها باعث مشکلات اجتماعی زیادی شده و آمار طلاق، اعتیاد و بلارفتن سن ازدواج را به وجود آورده است. (صفحه ۱۳)

تولد نخستین کودک آزمایشگاهی

نخستین کودک آزمایشگاهی در مرکز ناباروری بیمارستان شهید بهشتی اصفهان متولد شد.

دکتر سانلی، متخصص جراحی زنان و استادیار دانشگاه علوم پزشکی اصفهان دراین باره گفت: این نوزاد محصول دو سال تلاش این بخش است که با وزن سه کیلو و ۵۰ گرم متولد شده و کاملاً سالم است. (صفحه ۱۳)

شکارچی رانندگان تریلی اعتراف کرد

جوانی که پس از دستگیری در اصفهان و انتقال به بندرعباس به ۴۷ فقره قتل رانندگان تریلی در شهرهای مختلف اعتراف کرده روز گذشته تحویل اداره آگاهی تهران شد. پنج ماه قبل ماموران انتظامی اصفهان هنگام گشتی در یکی از خیابان‌های اصلی به جوانی که در حال تردد بود مظنون شدند و پس از بازداشت و تحقیق، او ابتدا خود را سارق معرفی کرد اما پس از بازجویی‌های حرفه‌ای اعتراف نمود شکارچی رانندگان تریلی است و چند فقره قتل در بندرعباس انجام داده است. بعد از پنج ماه بازداشت و بازجویی‌های مختلف او به قتل افراد مختلف در شهرهای اصفهان، تهران، قم، دامغان، اهواز، اسلامشهر، شیراز و ... اعتراف کرد. او اقرار کرد در مسیر خودروهای سنگین در جاده‌ها راننده‌های تریلی را اغفال کرده و آنها را به قتل می‌رسانده و سپس بارشان را به سرقت می‌برد. (صفحه ۱۴)



اتحاد عاقل و معشوق



امید مهدی‌نژاد

طنزنویس

در روزگاران قدیم جوانی عاشق و دلباخته دختری شد که خانه‌اش در آن‌سوی دریا قرار داشت. جوان عاشق هر شب از این‌سوی دریا به آن‌سوی دریا می‌رفت و معشوقه خود را ملاقات می‌کرد و سحرگاه بازمی‌گشت و تلاطم‌ها و توفان‌های دریا خللی در عزم و اراده راسخ وی ایجاد نمی‌کرد. دوستان و آشنایان جوان زبان به ملامت وی‌گشودند و گفتند مگر در این‌سوی دریا دختر شایسته یافت نمی‌شود که عاشق دختری در آن‌سوی دریا شده‌ای و هرشب خطر سفر دریایی را به جان می‌خری و برای ملاقات و به آن‌سوی دریا می‌روی؟ اما جوان عاشق پاسخی به آنها نمی‌داد و به آنها بی‌اعتنایی می‌نمود. شبی از شب‌ها جوان عاشق مثل شب‌های دیگر از دریا گذشت و به معشوق رسید و به دیدار وی شتافت. در اثنای صحبت نگاهی به‌صورت معشوق کرد و گفت: تودریالای لب‌خودخال داری؟ معشوق گفت: بلی. جوان عاشق گفت: امروز خال درآوردی؟ معشوق گفت: خیر. ازاول داشتم. جوان عاشق نگاه دیگری به چهره معشوق کرد و گفت: در بالای ابرویت هم جای بخیه است. امروز بخیه زدی؟ معشوق گفت: این جای بخیه از روز اول در صورت‌م وجود داشت و مربوط به دوران کودکی‌ام است که با دوچرخه زمین‌خوردم. جوان عاشق گفت: دندان‌ جلویی‌ات چی‌شده؟ انگار شکسته. معشوق گفت: شکستگی دندان‌مال چندسال پیش است. جوان عاشق گفت: چرا من تا به‌حال متوجه اینها نشده بودم؟ در این لحظه سحر شد و جوان عاشق برخاست تا به این‌سوی دریا برگردد. معشوق گفت: دریاتوفانی است. امروز برگرد. جوان عاشق گفت: دریا از این توفانی‌تر هم بوده و من آمده‌ام و رفته‌ام. معشوق گفت: بارهای قبل تو عاشق بودی، چراکه ایرادات مرا نمی‌دیدی اما مشب عاقلی و برای همین ایرادات مرا دیدی. خواه‌شا امروز به دریا نرو که غرق می‌شوی. جوان عاشق که عاقل شده بود، پذیرفت و به دریا نرفت و لذا غرق هم نشد و فردای آن‌روز با رویکردی عاقلانه به خواستگاری معشوق رفت و باوی ازدواج کرد و در همان‌سوی دریا کاروکاسبی راه انداخت و تا پایان عمر در کنار معشوق به‌طور عاقلانه زندگی کرد.